

## حمایت از متهم و منظور بازنگار جرم

عدالت نیز مانند سایر مفاهیم اعتباری بطور مطلق اجرا نمیشود و مرجع صحبت از داد گستری و احقاق حق شود منظور اعمال نسبی این معنی است. تاریخ قضائی ملل مشحون از مواردی است که بیگناهی تحت تعقیب درآمده و محکوم شده و حکم در باره اش اجرا گردیده و بعداً بی تقصیری او معلوم شده است.

خوشبختانه در اثر پیشرفت تمدن همانطور که در سایر شئون اجتماعی تغییراتی بزرگ حادث گردیده در اجرای عدالت و احراز واقعیات نیز تسهیلاتی بوجود آمده است.

باتوسل بکشفیات و اختراعات جدید و استمهاد از آزمایشگاهها و وسایل سریع ارتباط بهتر و زودتر میتوان بمجرمین دست یافت. دلائل تقصیر و گناه آنرا جمع آوری نموده و با قانون و قضاوت صحیح جامعه را از شر آنان محفوظ داشت. اجرای عدالت در باره مجرمین مستلزم طی سرائلی است. بهمین جهت دستگاههای مختلفی برای احراز واقعیات جرم و انتساب آن با افراد انجام وظیفه میکنند. سامور انضباطی، مستنطقین، مدعیان عمومی و پس از آن محاکم در یک بسهم خود نقشی در کشف واقع بعینه دارند.

بایدی است در مورد هر متهمی هر قدر مراحل مذکور بیشتر طی شده باشد شبیه برائت یا تقصیر قوی تر و بیقین و حتم نزدیک تر میگردد. معدوم است تا در مورد متهمی حکم قطعی که فرض سفاکت آن با واقع از نظر قضائی اجتناب ناپذیر است صادر نگردد نمیتوان مقصر و مجرم اصلی نمود.

بهمین جهت بکسی که مورد سوء ظن قرار گرفته و ترائن و اسارتی علیه او با دست آمده متهم گفته میشود نه مقصر. متهم از وهم آمده یعنی کسی که توهم در باره اش راجع بازنگار اسری پیش آمده است.

کسی که بدین نحو مورد تعقیب واقع می‌شود و بعلمت خطا پذیری انسان ممکن است بی‌گناه باشد و از وی بدون جهت سلب آزادی یا هتک حرمت بشود شایسته‌ترین تعالیم و شفقت است و تا آنجا که برای دستگاه‌های مجری عدالت ممکن است نباید در حفظ حقوق او بکوشند.

این فکر که نسبت به متهم باید ارفاق و مساعدت نمود در اثر تلطیف احساسات انسانی و توسعه تمدن روز بروز بیشتر می‌شود.

و در متون قوانین اکثر ممالک بتدریج برای حمایت متهمین مقرراتی پیش‌بینی شده است.

اینک ترجمه طرح (۱۸) ماده که در این مورد مؤسسه علوم جزائی دانشگاه کمبریج بر رهبری پرفسور گلاسر استاد آن دانشگاه پس از بحث و تدقیق و حذف و الحاق در چند کمیسیون سرکب از اساتید بزرگ کشورهای جهان در ۱۷ ژوئن ۱۹۳۹ تهیه شد از نظر خوانندگان میگذرد.

و هر ماده یا آنچه در قانون اصول محاکمات جزائی کشور ما پیش‌بینی شده است بمقایسه می‌کنیم و مواردی که در قانون مزبور از آن ذکر نشده، تذکر می‌دهیم.

و از آنجا که این مقایسه و بحث تفصیلی در هر یک از موارد تطبیق مستلزم صرف وقت بسیار و اطاله مقال است در فرصت دیگری به بحث آن پرداخته می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ماده اول

نوع و ماهیت اتهام متهم فوراً پس از توقیف باید باو اطلاع داده شود و بمناسبت قضائی صالح معرفی گردد.

فاصله بین توقیف و اعلام اتهام و معرفی بمقامات قضائی نباید بیش از سه روز طول بکشد مگر در مواقع تعطیل و در صورتیکه متهم در حال انتقال از محلی بمحل دیگر باشد در صورتیکه متهم از محل بازداشت و تغییراتی که ممکن است در آن داده شود اطلاعاتی خواسته باشد باید بلافاصله بوی داده شود.

هیچ شخص توقیف شده نباید از حوزه قضائی کشوری که در آن توقیف شده بجای دیگری فرستاده شود مگر بعلمت رعایت مقررات مربوط با قرارداد مقصرین.

قسمت اول این ماده در مواد ۲-۱۳۳ و ۱۳۴ قانون اصول محاکمات جزائی ما بنحو بهتری تأمین گردیده است.

در ماده ۲ ذکر شده . . . . . « ولی کمیسرهای نظمیه پیش از بیست و چهار ساعت نمیتوانند متهم را در توقیف نگهدارند و هرگاه توقیف او را بیش از بیست و چهار ساعت برای تعقیب تحقیقات لازم بدانند فوراً بمدعی العموم اطلاع میدهند و در این صورت مدعی العموم لای الاقتصا توقیف او را از مستنطق میخواهد و تعقیب تحقیقات را به کمیسری دستور میدهد. . . ماده ۱۳۳ « مستنطق مکلف است که ظرف ۲ ساعت از زمان حاضر شدن یا حاضر کردن متهم استنطاق اولیه را بعمل آورد. . .

در ماده ۱۳۴ ضمانت اجرائی و مجازات انفصال برای تخلف از ماده ۱۳۳ تعیین گردیده است .

### ماده دوم

بازداشت متهم قبل از محاکمه باید در موارد استثنائی و بوسیله مقامات قضائی انجام شود مدت توقیف نباید از چهار هفته تجاوز کند. ولی مقام قضائی که دستور بازداشت صادر نموده میتواند برای مدت چهار هفته دیگر دستور تجدید نماید.

تجدید این مدت ممکن نمیشود مگر بدستور مقام قضائی بالاتر از آنها در صورتیکه از چهارماه تجاوز نکند! بحث در اقسام تأمین و قرار بازداشت موضوع مقاله مستثنی و مفصلی خواهد بود.

سنظور از بازداشت در این مواد تنها قرار بازداشت مصطلح در حقوق جزای سانیست بلکه شامل هرقراری که موجب توقیف شدن متهم بشود میگردد زیرا عملاً فرقی بین اینکه قرار بازداشت درباره متهم صادر شود و تأیید گردد یا قرار نمودن وثیقه صادر شود و متهم نتواند بسپارد سلب آزادی او شود نیست.

در مورد قرار بازداشت در ماده ۳۸ قانون آئین دادرسی کهنتری ایران حق اعتراض برای متهم پیش بینی شده است.

در امور جنائی هرچهارماه و در امور جنحه هر دو ماه یک بار متهم حق دارد اعتراض کند. اصولاً در قانون آئین دادرسی ایران مدتی برای توقیف تعیین نشده

است و ممکن است متهمی باقرار بازداشت یکسال یا بیشتر هم توقیف باشد.  
 در سایر موارد که درباره متهم قرار کفالت یا تودیع وثیقه صادر شده و متهم بعلمت عدم تمکن نتوانسته کفیل یا وثیقه معرفی کند اصولاً حق اعتراض هم ندارد!  
 بارها دیده شده است که متهمی بعلمت عجز از معرفی کفیل و سپردن وثیقه مادها بازداشت بوده و بعداً هم تبرئه شده است! قانون در این مورد هم نتوانسته از بی بضاعتها حمایت کند.

رویه بعلمت نقص قانون باین جاری است که متهمین و مجرمین متمکن پس از ارتکاب جرائم بزرگ با سپردن وثیقه یا معرفی کفیل فوراً آزاد میشوند ولی متهمین تهی دست با ارتکاب جرم کوچکی یا احیاناً در اثر اتهام فقط مدتها بعلمت عجز از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه بازداشت میشوند.

این نقص در ذهن توده مردم که از قانون اطلاع کامل ندارند حمل بر تمکین دستگاه قضائی در مقابل متمکنین میشود و چنین میپندارند که آنها خدای ناکرده با دادن رشوه آزاد میشوند! بهر حال بحث تفصیلی در این مورد خارج از موضوع بحث است.

### ساده سوم

در تمام مراحل باید بد متهم فرصت معتول برای مشورت با مشاور حقوقیش داده شود.

این مشورتهای در صورت تمایل متهم باید خارج از اطلاع پلیس یا سایرین زندان بعمل آید.

در قانون آئین دادرسی کیفری ایران تا سال (۱۳۳۷) که قانون دزبور اصلاح شده حق مشورت و داشتن وکیل برای متهم در مراحل تحقیق مطلقاً پیش بینی نشده بود و وکلاء اصولاً در مرحله استنطاق با متهمین تماسی نداشتند!

در سال مذکور تبصره ذیل بماده (۱۱۲) قانون آئین دادرسی کیفری اضافه شد:

تبصره - « متهم میتواند بکنفر از وکلاء رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه بازجویی میتواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجراء قوانین لازم بداند ببازپرس تذکر دهد. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس میشود.

بطوریکه ملاحظه می‌گردد حق پیش‌بینی شده در ماده سوم بنحو اطلاق برای متهم در حقوق جزای ما ملحوظ نشده است حق مشورت منحصر ببعده از بازجوئی از متهم است و قبل از بازجوئی معمولاً متهم محصور بوده و ضمن بازجوئی نیز از حق استشاره محروم است و چه بسا متهم بعلمت بی‌اطلاعی از موازین قضائی اظهاراتی مینماید که توضیحات و کیل پس از بازجوئی نمیتواند آثار آنرا کاملاً از بین ببرد.

#### ماده چهارم

هر شخص نادار متهم باتهامی که جزای آن مرگ یا حبس طولانی است میتواند در تمام مراحل تعقیب (استنطاق - محاکمه) به‌خرج دولت تقاضای مشورت حقوقی بنماید.

در قوانین جزائی ما وکالت تسخیری پیش‌بینی شده است ولی منحصر است بمرحله دادرسی.

وکالت تسخیری بدان معنی که در ماده سوم آمده نیست چه وکیل تسخیری غالباً از حق الوکاله محروم است لذا دفاع خود را از متهم بادل سردی انجام میدهد و آن نتیجه که باید از آن حاصل شود شاید نمی‌گردد در ماده (۹) آئین دادرسی در محاکم جنائی و ماده (۳۰۹) آئین دادرسی کیفری وکالت تسخیری پیش‌بینی شده که شرح و ذکر مواد مذکور موجب اطلاله بحث میگردد.

#### ماده پنجم

متهم و مشاور حقوقی او باید رخصت معقول بررسی و معارضه اسناد و دلائلی که مدعی العدم علیه متهم جمع آوری و بمحکمه ارائه میکنند داشته باشند. با توجه بمواد قانون اصول محاکمات جزائی ایران حق پیش‌بینی شده در ماده پنجم برای متهمین در حقوق جزای ایران ملحوظ گردیده و متهم در تمام مراحل میتواند از خود دفاع کند و دلائلی که بر برائت خود دارد اقامه نماید.

#### ماده ششم

هیچ اعترافی از متهم نباید بعنوان دلیل علیه وی بحساب آید مگر اینکه بطور قطع معلوم شود اقرار مذکور باتهدید یا تطمیع از طرف مقامات تعقیبی تحصیل نشده است!